

فصل اول

تعاریف

اهداف این فصل:

- آشنایی با مفهوم میراث معنوی و گونه‌های آن.
 - آشنایی با مفهوم صنایع فرهنگی.
 - آشنایی با میراث معنوی و ویژگی‌های آن.
 - آشنایی با دسته‌بندی‌های مختلف میراث معنوی.
 - آشنایی با عوامل و دلایل انحطاط و زوال میراث معنوی.
-

□ میراث فرهنگی

«میراث» در لغت به معنی آن چیزی است که به ارث رسیده است. این واژه مفهوم انتقال از گذشته به آینده را می‌رساند. در واقع، به میراث بایستی به عنوان ماترکی نگاه کنیم که از نیاکان دریافت کرده و لازم است به نسل‌های آینده انتقال دهیم. برای هر ملت، شناخت گذشته برای ساختن آینده‌ای بر پایه هویت فرهنگی خویش اهمیت می‌یابد. در حقیقت پویایی و بقای فرهنگی در آینده، نیازمند پیوستگی میان دیروز و امروز و فردای ملت‌هاست. امروزه در آغاز هزاره سوم و عصر ارتباطات و جهانی شدن، وجه تمایز ملت‌ها از یکدیگر هویت فرهنگی است که ریشه در میراث فرهنگی دارد. از این رو، حفظ میراث فرهنگی برای یک ملت، پشتوانه حیات فرهنگی در آینده خواهد بود (اسدی، ۱۳۸۱: ۲۵).

در بیان مفهوم میراث فرهنگی باید گفت که عبارت است از کلیه عواملی که به‌طور آگاه یا ناآگاه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. میراث فرهنگی مفهومی بسیار وسیع را دربرمی‌گیرد که عبارت از کلیت زنده و پویای خلاقیت انسانی یک ملت است. آنچه جز وجود ما است و به نحوی می‌تواند در فکر و عمل ما تأثیر داشته باشد. میراث‌های فرهنگی یک ملت نشانه‌هایی از تاریخ یک فرهنگ و یک ملت به شمار می‌روند که روح آن ملت در وجود آن‌ها جنبه‌ی ابدیت و نوینی به خود می‌گیرد. به بیان دیگر، میراث فرهنگی یک ملت، بیانگر هویت فراموش‌نشده‌ی آن مردم است (ورجائوند، ۱۳۷۸: ۶۶-۶۷).

در اساسنامه‌ی تشکیل سازمان میراث فرهنگی، تعریف میراث فرهنگی این‌چنین آمده است: «به کلیه‌ی آثار باقی‌مانده از گذشته که نشان‌دهنده‌ی خط سیر انسان باشد و باعث عبرت انسان‌ها شود».



❑ فرهنگ

فرهنگ مفهومی مبهم دارد و سال‌هاست که در رشته‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است و با آنکه جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، مورخان و فیلسوفان تلاش‌های بسیاری برای شناخت آن کرده‌اند، هنوز تصویر روشن که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند عرضه نشده است. عوامل مختلفی موجب تیرگی و ابهام این مفهوم شده است که شناخت این عوامل می‌تواند کمک مؤثری در ارائه یک تصویر روشن از فرهنگ باشد.

واژه فرهنگ با دو تلقی و کاربرد یکسان از دو حوزه‌ی فرهنگی متفاوت وارد علم جامعه‌شناسی شده است. اول واژه کولتر در زبان فرانسه و سپس واژه کالچر از زبان انگلیسی است. گی‌روشه می‌گوید: واژه فرهنگ از زبان فرانسه گرفته شده است و به آلمانی و انگلیسی ترجمه شده است و هر بار نوعی معنای جدید به آن افزوده‌اند». (گی‌روشه، ۱۳۶۷، ۱۱۹).

در زبان انگلیسی ادوارد تایلور فرهنگ را با گستره‌ی مفهومی وسیع‌تری مطرح نمود و آن را مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر دانست که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. از دید تایلور فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنر، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه کسب شده است. در حالت کلی فرهنگ از دیدگاه صاحب‌نظران مطرح تاریخ جامعه‌شناسی در دو دسته‌ی کلی جای می‌گیرد:

- ۱- تعاریف کلی: یعنی تعاریف بسیار جامع که جنبه‌های مادی و معنوی حیات انسان را در بر می‌گیرد.
- ۲- تعاریف جزئی که در آن‌ها صرفاً به یک جنبه از حیات انسان توجه شده است (فیروز راد، ۱۳۸۲، ۲۸).

❖ انواع گونه‌های میراث فرهنگی

۱ - میراث ملموس (فیزیکی): عبارت است از آثار فرهنگی که به صورت فیزیکی و آشکار در انواع مختلف ابزارها، مجسمه‌ها، اسناد و کتاب‌ها، آثار باستانی و غیره کشف می‌شوند و به عبارتی قابل نقل و انتقال و در عین حال قابل تخریب و نابودی هستند.

۲ - میراث غیرملموس (معنوی): میراث فرهنگی ناملموس به جنبه‌های غیر فیزیکی یک فرهنگ گفته می‌شود و اغلب آداب و رسوم جامعه در یک دوره زمانی را در برمی‌گیرد. رفتارهای اجتماعی،



سنت‌ها، باورهای مردمی، هنر، زبان، اسطوره‌ها و آثاری از این دست جزء میراث معنوی اطلاق می‌شوند که به صورت فرهنگ یک ملت درآمده و به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه منتقل می‌گردد.

۳ - میراث طبیعی: بخشی از میراث فرهنگ‌ها است که در برگیرنده محیط زندگی، محیط زیست و آن دسته از عناصر زیستی اجتماعی است که به سهم خود به لحاظ نوع فرهنگ موجود در آن باعث جذب گردشگران می‌گردد که جنبه‌های حفظ این میراث عبارتند از:

الف: گیاه‌شناسی

ب: حفاظت نژاد نادر

ج: گیاهان موروثی

۴ - چشم‌اندازهای فرهنگی: که قسمتی از میراث طبیعی و تاریخی است که به لحاظ گونه‌های نادر و در حال انقراض موجود در آن قابل توجه هست.

در آغاز، آثار و بقایای مادی فرهنگ‌ها، یعنی بناها و محوطه‌های تاریخی، میراث خوانده می‌شدند و اکنون، مقولات جدیدی به آن اضافه شده است، که از بخش‌های دیگری از فعالیت‌های انسانی سرچشمه می‌گیرند. در واقع، جامعه جهانی به این نتیجه رسیده است که تنها آثار و بقایای مادی، شواهد و مدارک اثبات وجود ملت یا قوم نیست، بلکه مهم‌تر از آن، دانش‌های سنتی، مهارت‌ها، بیان هنری، ادبیات، اسطوره و زبان‌ها است. که از آن بانام میراث معنوی یاد می‌کنند.

اندیشه‌ی اعلام نام میراث‌های فرهنگی و معنوی بشر به دهه ۱۹۹۰ میلادی بر می‌گردد، پس از آنکه در سال ۱۹۸۹ پیشنهادهایی در سازمان ملل متحد برای نگهداری و پشتیبانی از فرهنگ‌های سنتی در جهان مطرح شد. در کنار میراث‌های جهانی، میراث‌های فرهنگی و معنوی به منظور آشناتر کردن بیشتر جهانیان با ابعاد گوناگون فرهنگ و رسوم در ملت‌های سراسر جهان، توسط یونسکو شناسایی و پاس داشته می‌شوند.

آخرین تعریفی که از این نوع میراث وجود دارد، تعریف مندرج در پیش‌نویس مقدماتی کنوانسیون حفظ میراث فرهنگی معنوی است. در اینجا میراث فرهنگی معنوی را چنین تعریف کرده‌اند: «رویه‌ها و معرف‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها، ابزار، اشیا، آثار هنری و مکان‌هایی که اجتماعات و افراد، آن را میراث معنوی خود تلقی می‌کنند و با اصول حقوق بشر پذیرفته شده در جهان: یعنی برابری، تداوم، استمرار و احترام متقابل میان اجتماعات فرهنگی سازگار است. به اجتماعات حس تداوم و



هویت می‌بخشد و اجتماعات نیز در پاسخ به شرایط محیطی، تاریخی و یا زیستی خود، به طور مستمر آن را بازسازی می‌کنند (مهدوی نیا، ۱۳۸۹، ۱۳). تمدن بشری مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی انسان‌هاست که هیچ‌کدام بدون دیگری، تولید و ایجاد نمی‌شده‌اند. میراث فرهنگی ناملموس یا میراث معنوی، آن بخشی از دستاوردهای تمدن‌هاست که به آن‌ها هویت می‌بخشد.

❖ میراث فرهنگی و هویت فرهنگی

شاین^۱ فرهنگ را به سه سطح تقسیم می‌کند. در سطح ظاهری، مصنوعات بشرساز وجود دارد، در عقبه این مصنوعات، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری نهفته و در عمیق‌ترین سطح، هسته‌ای از باورها و پیش‌فرض‌ها قرار گرفته است و باورها و پیش‌فرض‌ها هسته فرهنگ را تشکیل می‌دهند. از نظر اعضای یک فرهنگ، مجموعه پیش‌فرض‌های آنان درست و حقیقی‌اند و آنچه فرض می‌کنند و یا باور دارند واقعیت است و نوعاً جای بحث و جدل ندارد. ارزش‌ها، اصول، اهداف و استانداردهای اجتماعی موجود در درون یک فرهنگ هستند که از اهمیت ذاتی برخوردارند. ارزش‌ها، مبنایی برای قضاوت در مورد آنچه درست است و آنچه غلط، شکل می‌دهند. بر این اساس از آنها به عنوان منشورهای اخلاقی و معنوی یاد می‌کنند. هنجارها و ارزش‌ها به سهم خود فعالیت‌هایی را تشویق می‌کنند که مصنوعات بشرساز، سطح ظاهری فرهنگ را تولید می‌کنند. مصنوعات بشرساز بیشتر نشان‌دهنده هسته فرهنگی مشابهی است که ارزش‌ها و هنجارها را حفظ می‌کند. مصنوعات بشرساز به عنوان هسته فرهنگی است که در سطح ظاهری یک فرهنگ قرار دارند (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵).

بناهای کهن به عنوان معرف میراث تمدن اقوام و ادوار گذشته، از دیدگاه‌های مختلفی مورد توجه است و نگهداری و مرمت می‌شود. یکی از این دیدگاه‌ها شناسایی فرهنگ و هویت فرهنگی است. در طراحی برنامه‌های توسعه آنچه اهمیت دارد، توجه به هویت‌های ملی است. هیچ‌الگوی توسعه وارداتی را نمی‌توان به کار برد، یا تحمیل کرد مگر آن که با ویژگی‌های محلی، منطقه‌ای و ملی هماهنگی داشته باشد. توسعه واقعی بدون توجه به ابعاد فرهنگ ملی و احترام به هویت فرهنگی ملت‌ها تحقق نخواهد یافت. هویت فرهنگی در ارتباط و تماس با سنت‌ها و ارزش‌های ملل دیگر

1. shein



است که نو و غنی می‌شود و امکان تعالی و شکوفایی انسان را افزایش می‌دهد. بنابراین توسعه و حفظ دستاوردهای فرهنگی منطقه‌ای و ملی ضرورتی تام دارد، چرا که دستاوردهای فرهنگی مطمئن‌ترین ضامن توسعه مستقل است، هویت فرهنگی را تقویت می‌کند و قوه خلاقیت و آگاهی مردم را نسبت به میراث فرهنگی افزایش می‌دهد (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۷۲).

❖ صنایع فرهنگی

برای صنعت فرهنگی تعاریف زیادی وجود دارد، که هر یک از صاحب‌نظران از زاویه‌ای به تعریف این پدیده پرداخته‌اند:

الف) صنعت فرهنگی به مجموعه‌ای از صنایع اطلاق می‌شود که محصولات آنها درون‌مایه فرهنگی و معنوی دارند و برای غنی‌سازی حیات درونی و پالایش روح به کار می‌روند.

ب) بر اساس تعریف یونسکو «صنایع فرهنگی به صناعی گفته می‌شود که خروجی‌های خلاق و هنری ملموس و ناملموس تولید می‌کنند که دارای پتانسیل تولید، ثروت و ایجاد درآمد از طریق بهره‌برداری از دارایی‌های فرهنگی و تولید خدمات و کالاهای دانش بنیان هم سنتی و هم نو هستند».

ج) از نگاه دیگر صنعت فرهنگی از طریق تولیدات، ابزارها و فرایندهای متنوع در عصر حاضر باعث این شده است که دانش و منابع فرهنگی یک جامعه به محصول تجاری و خدماتی تبدیل شود.

به هر حال صنایع فرهنگی بنابر تعریف به مجموعه‌ای از صنایع گفته می‌شود که کالاها و خدماتی را با هدف تأثیر بر فرهنگ تولید می‌کنند و یافتن خواستگاه‌های مفهوم «صنعت یا صنایع فرهنگی» به منظور کشف نگرش‌های زیر بنایی آن در قبال واقعیت، نخستین گام در راه کسب اطلاع از عملکرد این صنعت یا صنایع است (وحدتی، ۱۳۸۰: ۵۵).

و امروزه اصطلاح «صنعت فرهنگی» به معنای توانمند ساختن اقتصادی تولیدات فرهنگی به منظور تولید محصول، اشتغال، درآمد و پاسخ به نیازهای مصرف‌کننده است و فعالیت هنری نقش مهمی در اقتصاد دارد. و این صنایع در بسیاری موارد نوک پیکان توسعه در قرن هستند زیرا تغییر الگوهای معرف و افزایش درآمدها باعث افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات فرهنگی می‌شود. صنایع فرهنگی، فراهم‌آورندگان محتوایی مهمی در توسعه فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی هستند. صنایع فرهنگی اندیشه و خلاقیت را تقویت می‌کنند که برای نوآوری مهم هستند. از طرفی صنایع فرهنگی تأثیر زیادی بر سطح اشتغال دارند و باعث رشد، جذب کار آزاد و کمک به بخش‌های رو به افول اقتصاد می‌شوند (همان/ص ۵۶).

□ میراث معنوی

عبارت میراث فرهنگی ناملموس یا میراث معنوی، بر اساس تعریف‌های بین‌المللی و ملی به معنای رفتارها، شیوه‌های ارائه، نمودها، دانش‌ها، مهارت‌ها و نیز وسایل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی مرتبط با آن‌ها است که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آن‌ها را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند.

این میراث معنوی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و مدام توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، طبیعت و تاریخ آن‌ها مجدداً خلق می‌شود و حس هویت و استمرار را برایشان به ارمغان آورده و به وسیله آن، احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌کند.

میراث معنوی در میان موارد زیر نیز نمودار می‌شود:

- سنت‌ها و نمودهای شفاهی شامل زبان که محملی برای میراث فرهنگی ناملموس به شمار می‌رود.
- هنرهای نمایشی.
- عادت‌ها و رسم‌های اجتماعی، آیین‌ها و جشن‌ها.
- دانش‌ها و عادت‌ها و رسم‌های مربوط به طبیعت و کیهان.
- مهارت در هنرهای دستی و سنتی.
- ویژگی‌های میراث معنوی.
- میراث معنوی تکرارناپذیرند.
- از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.
- جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، طبیعت و تاریخ‌شان، همواره آن را احیا می‌کنند.
- حس هویت و تداوم را در اجتماعات و گروه‌ها به وجود می‌آورد.
- ارزش تنوع فرهنگی و نوآوری انسان را ارتقا می‌بخشد.
- با اسناد حقوق بشر بین‌المللی سازگار است.
- از خواست‌های احترام متقابل بین جوامع و نیز لوازم توسعه پایدار تبعیت می‌کند.
- به دلیل ایجاد آن‌ها در زمانی مختص به خود قابلیت ساخت آثاری با ویژگی‌های عین آن‌ها یا مانند آن‌ها وجود ندارد.



- موجب هویت بخشی به ملتی می‌شود که در گذشته آن این آثار ساخته شده‌اند پس به این ملت هویت می‌بخشد.

- شناخت آن‌ها باعث ترسیم مسیر زندگی آیندگان و مطالعه درباره زندگی گذشتگان می‌گردد. همچنین میراث فرهنگی معنوی به‌طور همزمان، سنتی و زنده است. این میراث پیوسته در حال احیاست و در بیشتر موارد به‌صورت شفاهی منتقل می‌شود. گنجینه‌ی این میراث روح بشر است. جسم انسان ابزار اصلی یا به معنای واقعی کلمه مظهر تجلی روح است (مهدوی نیا، ۱۳۸۹: ۱۴).

❖ دسته‌بندی میراث معنوی

ویژگی‌های مورد نیاز یک اثر جهت ثبت در فهرست آثار:

- در گذر تاریخ فرهنگ و تمدن یک ملت یا قوم استمرار داشته باشد.
- میراث معنوی به واسطه ریشه‌دار بودن آن در تمدن هر ملت با فرهنگ آن جامعه پیوند خورده باشد.
- میراث معنوی بصورت شفاهی و سینه به سینه منتقل می‌شود که یا در خانواده‌ها از والدین به فرزندان و یا از طریق نظام استاد شاگردی انتقال می‌یابد.
- جزء میراثی هستند که با قطع فرایند انتقال حفظ و احیای آنها به خطر می‌افتد.
- از آنجایی که اغلب مصادیق میراث معنوی به صورت گروهی انجام می‌شود حس هویت جمعی، همکاری و مشارکت را تربیت نموده و موجب نوآوری و خلاقیت در فرهنگ می‌شود (فرهنگ عمومی، ۱۳۹۳).

❖ اهمیت میراث معنوی

تاریخ گذشتگان ما سرشار از پند، تجربه، فکر، ایده، ابتکار، جنگ، صلح، محبت، دوستی و دشمنی است و شناخت هر یک از آن‌ها یعنی دیگر تجربیات تلخ و غمبار نیاکان خود را تکرار نکنیم و از آن درس بگیریم. از این‌رو تکرار تجربه گذشتگان به معنای این است که باید دوباره هزینه و وقت صرف کنیم و تجربیات آنان را تکرار کنیم و شاید رسیدن به این تجربیات به سال‌ها، دهه‌ها و حتی قرن‌ها به درازا بکشد.

میراث معنوی فرهنگی می‌تواند این تجربیات را در زمان بسیار کوتاهی در اختیار ما قرار دهد. هر میراث فرهنگی داستانی برای خود دارد و شناسایی قدمت آن دنیایی از رازها را برای انسان آشکار می‌سازد. میراث فرهنگی رفتارها و آداب و رسوم یک منطقه را به ما می‌شناساند، از این رو انسان به



ناشناخته‌ها دسترسی پیدا می‌کند. تاریخ با کمک میراث معنوی و فرهنگی، نوشته‌ها و اسناد به جا مانده از گذشتگان هر کشوری تدوین می‌شود. میراث معنوی هویت، گذشته و تاریخ یک ملت، کشور و منطقه است که در گذر زمان اهمیت آن بیشتر برای انسان آشکار می‌شود. هر ملتی دارای تمدن و گذشته است اما این تمدن می‌تواند مربوط به سال‌های خیلی دور و یا نزدیک باشد. میراث فرهنگی می‌تواند در برگیرنده آثار ملموس (مانند بناهای باستانی) یا آثار ناملموس (مانند آداب و رسوم یک منطقه) باشد. آثار ناملموس بیشتر در خطر نابودی است زیرا ممکن است نسل‌های آینده نسبت به آیین‌های نیاکان خود وفادار نمانند و این آداب و رسوم به فراموشی سپرده شود (فرهنگ عمومی، ۱۳۹۳).

❖ عوامل و دلایل انحطاط و زوال میراث معنوی

- مهم‌ترین عوامل انحطاط و زوال میراث معنوی فرهنگی را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:
 - از آنجایی که عمده آثار فرهنگی متعلق به مناطق روستایی و سنتی می‌باشند. پیشرفت تکنولوژی و زندگی شهرنشینی بر بافت مناطق فوق تأثیرات فراوانی گذاشته است و موجبات از بین رفتن این آثار فراهم شده است.
 - بسیاری از افرادی که در انتقال میراث معنوی از جمله هنرهای اجرایی یا صنایع دستی نقش دارند آن را به عنوان پیشه خود برگزیده‌اند، در نتیجه با تحولات اقتصادی و فرهنگی جوامع این هنرها دیگر منبع درآمد خوبی محسوب نمی‌شوند دچار زوال می‌شوند.
 - به دلیل فرآیند بند دوم، تعداد متخصصان و هنرمندانی که حامل میراث‌های معنوی فوق می‌باشند کم شده و در مدت معینی با کم بود هنرمندانی مواجه می‌شویم که امکان انتقال میراث معنوی را داشتند.
 - نبود امکانات آموزشی و عدم حمایت دولت‌ها در تخصیص بودجه کافی و حمایت‌های تبلیغاتی و آموزشی.
 - در بسیاری موارد نوع رفتار گردشگران به عناوین مختلف موجب از بین رفتن آثار تاریخی و معنوی می‌شود.
 - گذر زمان تأثیرات اقلیمی و جغرافیایی و اساساً کشف آثار مدفون موجب آغاز روند تخریب و نابودی آثار می‌گردد.
 - برخورد غیرعلمی و غیرکارشناسی با آثار در تمامی مراحل کشف، حمل، نگهداری و غیره موجب تخریب می‌شود (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۷).

۸ خودآزمایی فصل اول

- ۱- میراث فرهنگی را تعریف کنید و گونه‌های آن را نام ببرید.
- ۲- صنایع فرهنگی را تعریف کنید.
- ۳- رابطه میراث فرهنگی با هویت فرهنگی را شرح دهید.
- ۴- میراث معنوی را تعریف کنید.
- ۵- مهم‌ترین ویژگی‌های میراث معنوی را نام ببرید.
- ۶- دسته‌بندی‌های مختلف میراث معنوی را نام ببرید.
- ۷- عوامل و دلایل انحطاط و زوال میراث معنوی را نام ببرید.